

مداخله مددکاری اجتماعی در کاهش کار کودکان

ترجمه: فاطمه محمدی_مددکار اجتماعی

www.iraniansocialworkers.ir

مداخله مددکاری اجتماعی در کاهش کار کودکان

۱- مقدمه

شصت و شش سال پس از استقلال هندوستان، کودکان ملت ما هنوز تحت شرایط غیر انسانی کار می کنند، از لذت های کودکی محرومند و زخم جسمی و عاطفی غیر قابل انکاری را با خود به بزرگسالیشان می آورند. این در واقع وضعیت غم انگیزی است در کشوری که معماران مبارزات آزادیمان، جواهر لعل نهرو و ماهاتما گاندی کودکان را ثروت کشور می دانستند. وضعیت زنان و کودکان در یک کشور منعکس کننده وضعیت توسعه آن کشور است. و وضعیت کنونی کودکان در هند مانند کتاب بازی برای همگان است. کار کودکان یک نقض جدی حقوق کودکان است. حق یک کودک برای بقا، حمایت، پیشرفت و مشارکت، که توسط کنوانسیون حقوق کودک تضمین می شود، در صورتی که کودک

کار کند، انکار می شود. کار کودک برای رشد عاطفی، جسمی و روحی او مضر است. در کشور ما، میلیون ها کودک برای سیر کردن خود و اعضای خانواده شان در شرایط مختلف مانند کار تضمین شده و اجباری کار می کنند.

در هند، کودکان از زمانهای بسیار قدیم در فعالیت های اقتصادی همراه با والدین خود شرکت می کرده اند، که به نوبه خود به آنها کمک می کرد تا مهارت هایی را برای به دست گرفتن شغل سنتی خانواده بدست بیاورند. با این حال، در دوران مدرن، فقر شدید آنها را مجبور به پیوستن به صفوف کارگران دستمزدبگیر برای حمایت از خانواده شان کرده است. هند دارای تمایز مشکوک استخدام بیشترین تعداد کودک در جهان را دارد. طبق سرشماری سال ۱۹۹۱، ۱۱٫۲ میلیون کودک در مشاغل مختلف در کشور مشغول به کار هستند. اینها ارقام دولتی هستند و اکثریت قریب به اتفاق کودکانی که در بخش های غیررسمی و خانوادگی مشغول به کار هستند در این آمار نیستند. اگرچه، کنوانسیون حقوق کودک هر فرد زیر ۱۸ سال را کودک در نظر می گیرد، اما در قانون هند اینگونه نیست. قانون اساسی هند،

هر کسی که کمتر از ۱۴ سال دارد، کودک می داند.

یونیسف، همراه با دولت هند، برنامه های کم هزینه و مداخلات موثری برای نجات زندگی کودکان طراحی کرده است. این تضمین می کند که هر کودک بهترین شروع را در زندگی داشته باشد و قادر به رشد بالقوه خود باشد. اما هیچکس نمی تواند آن را به تنهایی انجام دهد و به حمایت مددکاران اجتماعی نیاز دارد. امروزه، مددکاران اجتماعی می توانند از طریق مداخلات در زمینه کمک به آنها به محافظان امید برای این کودکان تبدیل شوند. یک زمان ایجاد یا شکست برای کودکان وجود دارد و تأثیر طولانی مدت روی زندگی آنها ایجاد می کند.

همچنین یک ویژگی قابل توجه در مورد گسترش منطقه ای کار کودکان وجود دارد. میزان کار کودکان در پنج ایالت فقیر کشور مان تعداد زیادی است. این نباید تعجب آور باشد. با این وجود این تعجب آور است که در شش ایالت به لحاظ صنعتی پیشرفته کشور میزان بالایی از کار کودکان وجود دارد. این ممکن است تا حدی با کیفیت ثابت و جمع آوری داده ها توسط

مسئولین در این ایالت ها توضیح داده شود که احتمالاً از کیفیت بهتری نسبت به ایالت‌های فقیرتر برخوردار است. داستان واقعی، با این حال، نسبتاً پیچیده است. ایالت های مهاراشترا، تامیل نادو، گجرات، کارناتاکا، بنگال غربی و آندرا پرادش، تعداد زیادی کودکان کار دارند. بنابراین می توان نتیجه گرفت که در این ایالت ها توسعه صنعتی و اقتصادی به پشتوانه کار کودکان به وقوع پیوسته است. بنابراین در طول دو یا سه دهه گذشته طبقه ممتاز صنعتی و تجاری جدید و قدرتمندی از سود حاصل از کار کودکان پدیدار شده است. در نتیجه ما وضعیتی داریم که در آن از یک سو کودکان از نسلی به نسل دیگر مورد استثمار قرار می گیرند و از سوی دیگر خانه های بزرگ کسب و کار هستند که در بدست آوردن سود مازاد از بخش های اصلی دوران کودکی دخیل هستند.

۲- مداخله مددکاری اجتماعی

سه مکتب فکری در مورد مفهوم و مداخلات در مورد کار کودک وجود دارد. مکتب اول آموزش را به عنوان یک اصل اساسی مطرح می کند و نشان می دهد که هر کودک خارج از مدرسه کودک

کار است. این مکتب ایالت را به عنوان نماینده جامعه در نظر می گیرد و مسئولیت اصلی آن را ایجاد زیرساخت های لازم برای تسهیل دسترسی آزاد، اجباری و جهانی به آموزش ابتدایی و راهنمایی می داند. این مکتب فکری بین مشاغل خطرناک و غیر خطرناک تفاوت قائل نمی شود. در واقع، خطرناک و غیر خطرناک به چه معناست؟ بسیاری از مشاغل طبق قانون "غیر خطرناک" هستند اما در حقیقت بسیار مضر هستند. تعریف خطرناک تنها نشان دهنده آسیب فیزیکی به کودک است، اما کودکانی که فرصت های توسعه خود را ندارند به شیوه های دیگر آسیب می بینند. این طبقه بندی برخلاف اصول اولیه حقوق کودک است.

دومین مکتب فکری بزرگی مشکل و محدودیت های ایالت را در تضمین دسترسی سریع همه کودکان به آموزش را مهم می داند. این مکتب از یک رویکرد تدریجی، متوالی و انتخابی در ابتدا با کودکانی که در فرآیند های خطرناک مشغول به کار هستند، حمایت می کند. برای ارائه آموزش و تحصیلات به آنها برای توانمندسازی آنان، از یک رویکرد گام به گام و نه از یک رویکرد ناگهانی و یک شبه حمایت می کنند.

سومین مکتب فکری یک موضع کاملاً متفاوت دارد. طرفداران آن معتقدند که دولت در انجام وظایف خود در زمینه ارائه تحصیلات، ایجاد انگیزه برای والدین فقیر و ایجاد فضای پیرامونی برای یادگیری کودکان شکست خورده است. آنها طرفدار این هستند که به کودکان اجازه دهند خود انتخاب کنند و در همان زمان برای آنها محیطی سازگار و انعطاف پذیر ارائه دهند که به آنها آموزش عالی و یا محیط کار راحت و آزادی انتخاب می دهد.

این رویکردها از "تصمیم گیری با بزرگسالان، عقب نشینی فوری؛ تا تصمیم گیری با کودکان، اینکه آیا کار کنند یا خیر" متفاوت هستند. در حقیقت تمام استراتژی های مداخله ای در جایی در مسیر قرار دارند. آیا کودک مورد توجه قرار می گیرد یا علت؟ هر استراتژی که قرار است اتخاذ شود، باید حداقل بر واضح ترین علت کار کودکان تاثیر داشته باشد. این استراتژی باید توسط عواملی که این گروه خاص از کودکان را به کار سوق می دهد، هدایت شود. ما همچنین باید به یاد داشته باشیم که در تلاش برای بازگرداندن کودکی به کودکان، بزرگسالی را بر آنها تحمیل نکنیم.

۱-۲ رویکردهای مداخله مددکاری اجتماعی

۱-۱-۲ آگاهی در مورد تحصیلات

حمایت از برنامه ها برای بهبود دسترسی و کیفیت آموزش متوسطه، برنامه های آگاهی رسانی، برنامه های تبلیغاتی و حمایت از ثبت نام، حفظ، سطوح حمایت آموزشی برای زیرساخت های آموزشی، آموزش ها و ورود به روش های بهبود یافته، پشتیبانی از برنامه مراقبت زودهنگام از کودکی و برنامه های آموزشی، آزمایش و نوآوری در آموزش و پرورش و غیره. اکثر آژانس ها حمایت از پروژه های سطح خرد را با پشتیبانی از کمپین ها، حمایت و مداخلات سیاستی ترکیب می کنند، اگرچه در تاکید تفاوت‌هایی دارند.

تقریباً در تمام خانوارهایی که کودکانی در گروه سنی ۶ تا ۱۴ سال دارند، کودکان پاسخ دادند که از رفتن به مدرسه لذت می برند. آگاهی در کودک کار ایجاد شده است و از این رو ۴۸ درصد از پاسخ دهندگان از جمله ۴۲ دختر و پسر پذیرفته اند به مدرسه بروند. فقط دو کودک پاسخ دادند که هرگز به مدرسه نمی روند؛ زیرا آنها اصلاً علاقه ای به مدرسه

رفتن ندارند. اکثریت کودکان متوجه اهمیت بسیار زیاد رفتن به مدرسه برای باسواد شدن بودند. دیگران پاسخ دادند که برای استخدام و برای آینده بهتر لازم است به مدرسه بروند. با این حال، ۲۱ درصد از کودکان پاسخ دادند که معلمان علاقه ای به تدریس ندارند. دیگران به مشکلات محیط کلاس و آب آشامیدنی اشاره کردند.

حدود ۵۳ درصد از پدران و ۶۳ درصد از مادران پاسخ دهندگان پاسخ دادند که لازم است که کودکان دختر را آموزش دهیم. در مقابل ۴۷ درصد پدران و ۳۷ درصد مادران پاسخ دهندگان این دیدگاه را داشتند که آموزش کودکان ضروری نیست. به گفته آنها، دختر سرکار نمی رود و باید مراقب خانه و اطفال باشد. دیگران پاسخ دادند که آموزش دختر بچه ضروری است، تا: (i) آنها آینده ای بهتری داشته باشند، (ii) بتوانند بخوانند و بنویسند؛ (iii) ازدواج آسانتر می شود؛ (iv) آنها زندگی زناشویی بهتری خواهند داشت. آنها به دلایل اقتصادی فرزندان خود را به مدرسه نمی فرستند و می خواهند تنها پسرها و نه دختران را به مدرسه بفرستند. آنها گفتند که

نمی‌توانند اهمیت آموزش دختر را درک کنند و مشکلات اقتصادی نیز یکی از دلایل آنها بود.

۲-۱-۲ جلوگیری از استفاده از کودکان کار

جلوگیری و از بین بردن کار کودکان که با حذف درگیری‌هایی که محیط‌هایی را ایجاد می‌کند که در آن استفاده از کارگران کودک مناسب است جایگزین شد. از کودکان استفاده می‌شود، زیرا آنها "جنگجویان ارزان، موثر و مطیع" هستند. آنها همچنین به راحتی می‌توانند مورد سوء استفاده قرار گیرند و گاهی اوقات بی‌ترس‌تر و بی‌رحمانه‌تر در اقدامات خود در مبارزه نسبت به بزرگسالان هستند. بنابراین، برای جلوگیری از استفاده از کودکان کار، حل مناقشه باید یکی از بالاترین اولویت‌ها در برخورد با استفاده از کارگران کودک باشد. به لحاظ تاریخی، بسیاری از مددکاران اجتماعی آشکارا صلح طلب بوده‌اند و در مخالفت با کار کودکان سخن گفته‌اند.

قطعنامه بهترین راه برای جلوگیری از استفاده از کودکان کار است که همیشه امکان پذیر نیست. مهمترین مسئله در اینجا این است که "چرا برخی از گروه‌ها (کودکان) و نه دیگران را استخدام می‌کنند" سخت‌ترین جنبه

رسیدگی به مسئله کار کودکان، برخورد با علل ریشه ای است. برخی از عوامل مشارکت کننده در استفاده از کودک کار شامل فقدان فرصت های شغلی، فرصت های تحصیلی ضعیف، محرومیت اجتماعی علاوه بر فقر، مشکلات مالی، درگیری های خانوادگی، افزایش هزینه های زندگی و غیره است. با این حال، این عوامل در موقعیت های بسیاری وجود دارند که کودکان به عنوان کارگر مورد استفاده قرار می گیرند. از آنجا که مددکاری اجتماعی مردم را در محیط خود آنها مشاهده می کند و مداخلات آنهایی است که به منظور تبدیل کلی این سیستم به کار گرفته می شود، مددکاران اجتماعی قادرند به دنبال پاسخ به این سوال باشند که چرا بعضی از گروهها از کودکان به عنوان کارگران استفاده میکنند و دیگران نمی کنند. آموزش با توجه به اخلاق استثمار کودکان و پیامدهای مادام العمر آنها نیز در بخش ارزش های مددکاری اجتماعی قرار می گیرد.

در حوزه مددکاری اجتماعی کارهای زیادی وجود دارد که می تواند برای جلوگیری از بهره برداری از کودکان به عنوان کارگران و مراقبت از کودکان کار توسعه یابد. مددکاران

اجتماعی که به اندازه کافی آموزش دیده اند باید در مسئله کار کودکان مشارکت داشته باشند. مددکاران اجتماعی می توانند به طور موقت به مناطقی که شدیداً نیازمند کمک به کودکان و جامعه ها هستند بروند و همچنین به مردم محلی در کار با کودکان و جوامع آموزش دهند. در بلندمدت، مدارس مددکاری اجتماعی باید بیشتر به منظور حمایت از نیازهای فراوان مردم توسعه یابد. ظرفیت را می توان در جوامع محلی از طریق فن آوری، هر جا که موجود است، توسعه داده شود. هر جا که تکنولوژی در دسترس است، مردم محلی برای توانایی های رهبری خود انتخاب می شوند و می توانند از طرق روش های یادگیری از راه دور آموزش ببینند، شاید با استفاده از تعلیم مدل های مربیگری، تا به دیگران در جامعه آنها آموزش دهند.

۲-۱-۳ نسل آگاهی

برنامه های آگاهی در میان جامعه و عموم مردم از جمله رهبری سیاسی و کارکنان دولتی در سطوح مختلف و تلاش برای هدف قرار دادن

کارفرمایان و اتحادیه های صنفی انجام شده است و پاسخ های پر قدرتی حاصل شده است.

۲-۱-۴ خدمات برای کودکان کار

خدمات آموزشی، مراقبت های بهداشتی، بازسازی تغذیه در مدارس، ارتباط دادن مدارس، حمایت از آموزش، سازماندهی کودکان کار، آموزش مهارت. برنامه های پس انداز، فعالیتهای تفریحی، برنامه های تئاتری، کمک های حقوقی و غیره گسترش یافته است.

۲-۱-۵ خدمات به جامعه

خدمات توسعه اجتماعی مانند برنامه های توانمند سازی اقتصادی مانند فعالیت های پس انداز و اعتباری، توسعه کارآفرینان، کمک به کسب و کار فردی، دروندادهای کشاورزی و کمک به توسعه برنامه های زمین و آب، سازماندهی گروه های زنان، گروه های جوانان و انجمن های کشاورزان سازماندهی شده است.

۲-۱-۶ حریم خصوصی

حق حفظ حریم خصوصی کودکان باید در تمام زمان ها و در همه شرایط، به ویژه در مورد دختر بچه ها رعایت شود. از کودکان خواسته نخواهد شد که هر گونه اطلاعات شخصی را برخلاف میلشان افشا کنند. در صورت اقامت شبانه و

یا در مجتمع های مسکونی، باید اتاق خواب های جداگانه و توالت برای دختران وجود داشته باشد. توالت های سرپوشیده توصیه شده است که تهیه شوند.

۲-۲ مداخلات در حفاظت از کودک کار

حفاظت از کودکان کار برای توسعه فیزیکی، ذهنی و کلی آنها و توسعه جامعه ضروری است. حفاظت فیزیکی، حفاظت روانشناختی و حفاظت روانی، حفاظت رسانه ای ارائه شده است.

۱-۲-۲ حفاظت فیزیکی

از طریق سازمان های غیردولتی وظیفه دادن تمام اشکال ایمنی فیزیکی (از جمله حفاظت از سوء استفاده جنسی) و امنیت به کودکان درخواست شده است و تعیین شده است.

- آنها باید از شدت طبیعت - گرما و سرما محافظت شوند.
- آنها باید از نیش مارها، حشرات سمی و غیره، بوسیله تهیه لوازم محافظتی برای آنها محافظت شوند.
- به کودکان باید غذاهای سالم و مقوی و سیر کننده و آب آشامیدنی سالم داده شود.

• به کودکان باید مراقبت های پزشکی منظم و داروهای لازم (در صورت لزوم) ارائه شود.

• کارکنان /مراقبین باید دانش کافی در مورد کمک های اولیه داشته باشند.

مقامات پلیس مورد مشورت قرار گرفتند و شخصا در حضور حامیان حمایت از کودکان کار هر دو جنس در صورت آسیبهای فیزیکی و سوء استفاده و آزار و اذیت جنسی دختران ترغیب شدند.

۲-۲-۲ حفاظت روانشناختی/ ذهنی

یک سری جلسات با کمک روانپزشکان و روانشناسان برای مشاوره فراوان و از بین بردن ترس های بخشهای کودک کار تشکیل شده است. سلامت روانشناختی یک کودک باید در همه شرایط حفظ شود و تلاش هایی باید به منظور ارتقاء سلامت ذهنی یک کودک، به ویژه آنهایی که تحت هر گونه شکلی از استثمار، ذهنی، جسمی و اقتصادی هستند، انجام شود.

• کارکنان / مدیران / سرپرستان / معلمان و همه مسئولان و تعامل کنندگان با کودکان باید در رفتار (کلامی و غیر کلامی) شان نسبت به هم پسران و هم دختران، شأن و احترام را حفظ کنند.

- باید مراقب باشند از زبان مناسب (غیر بدزبانی، غیر توهین آمیز، و غیر آسیب زننده) استفاده شود.

۲-۲-۳ حفاظت اخلاقی

حقوق اخلاقی و شأن کودکان باید رعایت شود. از این رو تعداد محدودی جلسه با کمک افراد رسانه ای و سازمان های غیر دولتی محلی سازماندهی شده است.

- کودکان نباید تحقیر شوند و به خاطر پیشینه شان درد بکشند

- کودکان نباید مجبور شوند داستان شخصی شان درباره سوء استفاده و استثمار را برخلاف میلشان روایت کنند.

- عزت نفس و شأن کودکان باید در تمام مراحل حفظ شود و کودکان نباید به علت شرایط شان نگران باشند.

کودکان نباید به علت معلولیت های فیزیکی تبعیض یا تحقیر شوند. توجه ویژه ای باید به کودکان با نیازهای (فیزیکی) ویژه مخصوصا در طول سفر و اقامت آنها شود.

۲-۲-۴ حفاظت از کودکان مربوط به رسانه

کودک باید حق آزادی بیان داشته باشد؛ این حق باید شامل آزادی برای جستجو، دریافت و

انتقال هرگونه اطلاعات و ایده بدون در نظر گرفتن مرزها، به صورت شفاهی، به صورت کتبی یا چاپی، به شکل هنر و یا از طریق رسانه های دیگر به انتخاب کودک باشد. استفاده از این حق آزادی بیان ممکن در معرض محدودیت های خاصی واقع شود، اما این محدودیت ها فقط باید به صورت قانونی ارائه شود و لازم باشد:

- برای احترام به حقوق و اعتبار دیگران
- برای حفاظت از امنیت ملی یا حفاظت نظم عمومی، یا حفاظت از بهداشت یا اخلاق عمومی. کودکان می توانند محیطی را انتظار داشته باشند که در آن به این اصول پایبندی وجود داشته باشد.

روزنامه نگاران تصدیق می کنند که آزادی بیان را می توان با در نظر گرفتن حقوق کودکان حفظ کرد. روزنامه نگاران به ماهیت حساس مسئله کار کودکان احترام می گذارند و از احساسی کردن پوشش هر گونه رویداد و شرکت کنندگان آن پرهیز می کنند. به ویژه در مواردی که بدترین شکل کار کودکان مورد بحث قرار می گیرد، روزنامه نگاران هنگام گزارش استثمار جنسی و اقتصادی کودکان، احتیاط می کنند. مطبوعات به کودکان اجازه می دهند تا

افکار خود را بدون اجبار، پرداخت و یا دستکاری اظهاراتشان به هر نحو بیان کنند. بررسی حقیقت داستان‌ها درباره کودکان کار انجام خواهد شد به طوری که کودکان برای انعکاس نظرات خود رنج نبرند.

۲-۲-۵ شکایات و روش رسیدگی

در تعامل با پرسنل پلیس به کودکان کار آگاهی می‌دهند که علیه جنایات، تحقیر، سوء استفاده جنسی از آنها، شکنجه جسمی و غیره شکایت کنند. کودکان در مورد حقوق مشارکت و حمایت از آنها به طور منظم اطلاع‌رسانی می‌شوند تا بتوانند انتخاباتهای آگاهانه‌ای داشته باشند.

- گروه‌های کودکان بطور مردمی انتخاب شده‌اند اما مشغول به کار هستند تا حمایت و مشارکت کودکان در همه سطوح را مشاهده و حفظ کنند.
- کودکان باید توانمند باشند و تشویق شوند بدون ترس و بدون مداخله بزرگسالان نظرات خود را بیان کنند.
- به کودکان باید فضا و فرصت‌هایی را برای به اشتراک گذاشتن دیدگاه‌ها و

نگرانی های خود با ایمنی، امنیت و شرافت با مقامات مسئول خود داده شود.

- راه های مناسبی باید برای کودکان برای بیان شکایت های شان و توصیه های متخصص/متخصص روانشناسی کودک (در صورت لزوم) فراهم شود. علاوه بر این، مشاوره لازم برای کودکان ارائه می شود.

- رهبر تیم، سرپرست پروژه، کمیته مدیریت یا هیئت مدیره سازمان ممکن است درک کنند و اقدامات کافی براساس شدت و فوریت موضوع صورت پذیرد.

۲-۳ نقش مددکاری اجتماعی در واکنش

مددکاری اجتماعی می تواند نقش مهمی در حل مسئله کودکان کار در کشورهای مختلف و همچنین در سراسر جهان داشته باشد. مددکاران اجتماعی می توانند در پیشگیری و مراقبتهای بعدی، در برخورد با شرایطی که باعث سوء استفاده از کودکان می شوند، و مشارکت در تحقیقات و راه حل های بعدی برای رسیدگی به علل ریشه این مشکل شرکت داشته باشند. یک رویکرد تئوری سیستم ها، که به دنبال مقابله با مشکل در همه سطوح است، برای ایجاد یک رویکرد جامع و سیستماتیک برای پایان دادن

به استفاده از کودکان کار ضروری است. مددکاران اجتماعی در تلاش برای انجام این نوع از تغییرات جامع متخصص هستند و بویژه در همه سطوح مبارزه با مشکلات، مناسب هستند.

۲-۳-۱ مشارکت کودکان در تصمیم گیری

نهادینه سازی مفهوم مشارکت کودکان و اینکه آنها نیاز به داشتن فضای خود دارند آسان نیست. این یک مبارزه دائمی با بلوک های ذهنی خود در میان بزرگسالان است تا واقعا به کودکان حق آزادی بیان و حق تشکیل انجمن ها را بدهد. بال سابقا^۱ هسته اصلی برنامه ما را تشکیل می دهد. آن در تدوین مداخلات برنامه ما، در فرآیند سازماندهی کودکان و ایجاد تالار گفتمان کمک کرده است تالاری که در آن بتوانند صحبت کنند، ایده های خود را به اشتراک بگذارند و برنامه ها و جهت گیری های سازمان را نقد کنند. علاوه بر این، کودکان همچنین اصول دموکراسی را یاد می گیرند. در حقیقت در یکی از جلسات **اتحادیه بال مازدور^۲ (BMU)** تصمیم گرفته شد که نمایندگان **BMU** آموزش دهندگان خیابان را همراهی کنند هر وقت که با پلیس یا شرکت های

^۱ Bal Sabha .

^۲ Bal Mazdoor Union .

شهرداری در مورد مسائل مربوط به آنها دیدار می کنند. دلیل این تصمیم گیری این بود که مربیان خیابانی اغلب به اندازه کافی زود اطلاعات مربوط به نتیجه جلسه را به اشتراک نمی گذارند. تمرین این بود که اطلاعات را هر وقت که یک جلسه کودکان برگزار شد، به اشتراک بگذارید.

۲-۳-۲ برگزاری اتحادیه بال مزدور

نتیجه مستقیم داشتن بال ساجا (شورای کودکان) تشکیل يك اتحادیه کودکان کار بوده است. یکی از مشکلات عمده روبروی کودکان خیابانی، آزار و اذیت پلیس، حمل های مجاز و مغازه داران است. اغلب کودکان با اتهامات دروغین در مورد سرقت و جنجالی های خیابانی مورد ضرب و شتم قرار می گیرند. آنها همچنین با اتهامات دروغین توقیف شده و یا به یک زندان خصوصی فرستاده می شوند (مورد آخر با گذراندن سن آنها به ۱۷ سالگی انجام می شود).

اتحادیه بال مزدور خود را به عنوان جمعی از کودکان خیابانی و کودکان کار می بیند. این یک پلت فرم از کودکان و برای کودکان است که از دسترسی به حقوق اساسیشان محروم

شده اند، حقوقی که بر اساس قانون اساسی کشور مان و همچنین کنوانسیون حقوق کودک که توسط دولت هند تصویب شده است برای همه و هر کودکی در هند تضمین شده است. اتحادیه در تلاش است تا کودکان را در زمینه حقوق خود به عنوان کودکان و به عنوان کارگران آموزش دهد. لازم به ذکر است که اتحادیه نگران وضعیت سوء استفاده و یا عدم دسترسی به حقوق اساسی مانند حق تحصیل، حق تفریح و اوقات فراغت، حق احترام و فرصت ها، حق داشتن سرپناه و مراقبت های بهداشتی، حق محافظت در برابر استثمار و سرکوب و حق تقاضا و اجرای تمامی قوانین مربوط به حفاظت از کودکان و حقوق آنها در رابطه با همه کودکان، به ویژه افراد محروم و آسیب پذیر، است.

کسانی که با اتحادیه کودکان کار مخالفت می کنند مخالفند زیرا: آنها معتقدند که (a) کودکان به اندازه کافی بالغ نیستند تا در مورد مسائل مربوط به زندگیشان بحث کنند و تصمیم بگیرند؛ (b) اتحادیه، در واقع، کودکان کار را قانونی و نهادینه می کند و (c) این تلاش غیر ضروری برای سیاسی کردن کودکان است. این کنایه آمیز است که کودکان

"کوچک" شمرده شوند وقتی مجبورند تا مشاغل بزرگسالان را که شامل مشاغل خطرناک (کارخانه های کبریت، وسائل آتش بازی، شیشه، سنگ های قیمتی، قفل، صنعت، معادن، و صنایع ساختمانی و فرش) هستند انجام دهند، بعلاوه آنها ساعت های طولانی تر از بزرگسالان کار می کنند و دستمزد کمتری می گیرند. برخی از این کودکان نان آور خانواده های خود هستند. با این حال، زمان آن که به آنها قدرت داده شود تا برای خود تصمیم گیری کنند می رسد، ناگهان ناتوان و بیش از حد جوان به نظر می رسند تا مسئولیت خود را بر عهده بگیرند. کنوانسیون حقوق کودکان یک فرصت واضح برای دولت، سازمان های غیر دولتی و جامعه به طور کلی است تا کودکان را به عنوان افراد با حقوق شهروندی مانند شهروندان دیگر و نه صرفا به عنوان اهداف خیریه و بشردوستی ببینند. تعهد ما باید این باشد که کودکان را به درک حقوق خود تشویق کنیم و آنها را برای محافظت از حقوق خود آماده سازیم در حالی که جامعه محیطی را تضمین می کند که حفاظت از حقوق همه کودکان را تسهیل می کند.

۲-۴ مداخله فردی و گروهی

تأثیرات سلامت روانی متعددی بر کودکان کار وجود دارد که قابل پیش بینی هستند. با استفاده از شاخص ها، سوء استفاده کنندگان کودکان را فاسد می کنند، آنها را می ترسانند، آنها را منزوی می کنند و آنها را به طریق روانشناسانه سوء استفاده کننده تربیت می کنند. منزوی شدن به عنوان آسیب زنده ترین این چهار شاخص شناخته شده است، اما هر یک از آنها کودکان را از تکمیل وظایفی که نیاز دارند تا هویت خود را بسازند و بتوانند بطور مثبت در جامعه خود مشارکت کنند جلوگیری می کنند. پیامدهای عاطفی برای اکثر کودکان مصاحبه شده شامل خلق و خوی غم انگیز، درگیریهای ذهنی، افکار خودکشی و ترس است. اکثر آنها از دست دادن را در ارتباط با مرگ اعضای خانواده و وضعیت اجتماعی خود به عنوان نتیجه اقدامات خود تجربه کرده اند. بعضی احساس می کردند که فرصت آموزش را از دست داده اند، اما برخی دیگر از آنها احساس می کردند که فرصت شان را به دست آوردند و برخی احساس می کردند که دوستی را از دست داده اند در حالیکه دیگران احساس می کردند دوستی را بدست آورده اند.

در حالی که کودکان پیامدهای توسعه ای، روانشناختی و ذهنی را تجربه کردند، در مطالعات مختصری که در پیشینه تحقیق داشته ام متوجه شدم که هیچ کس به دنبال تجربه خاص آنها نبوده است. در هر صورت، این در همه کشورها برای بازگرداندن کودکان کار که توسط خانواده ها و جوامع خود طرد شده اند که از رفتار خشونت آمیز آنها می ترسند، رایج است. یک نیاز جهانی برای احیای این کودکان، خانواده ها و جوامع آنها وجود دارد. این زمینه کاری مددکاران اجتماعی است.

۲-۴-۱ اقدامات کلان و حمایت سیاسی

حوزه دیگری که مددکاران اجتماعی می توانند درگیر شوند، حمایت در سطح ملی و بین المللی است. این شامل سازماندهی مردم در کشورهای است که از این بیرحمی رنج می برند و همچنین استفاده از شبکه هایی که برای سازماندهی تلاش های حمایتی داریم. مناطقی که نیاز به حمایت دارند عبارتند از:

- سرمایه گذاری برای توانبخشی و ادغام مجدد، نه فقط خلع سلاح و رفع بسیج عمومی در سطح ملی و بین المللی. این توانبخشی نیز باید برای جوامعی که خشونت را تحمل

کرده اند و جوامعی که از آنها کودکان کارگر شده اند، ارائه شود. توسعه اقتصادی، دسترسی به آموزش با کیفیت و آموزش حرفه ای (سازمان بین المللی کار، ۲۰۰۳) و ایجاد شغل برای جلوگیری از سربازی گری بیشتر کودکان ضروری است.

- ایجاد دادگاه ها یا کمیسیون ها، که پس از آنکه انجام شده است و یا در حال انجام است، ایجاد می شود که می تواند به جوامع در حل و فصل مناقشات کمک کند و عدالت را به افراد و جوامع آسیب دیده بیاورد. ایجاد یک جایگاه در دولت ملی، مانند بازرسان برای نظارت بر حقوق کودکان، از جمله برخورد با موضوع کودکان کار.

- به عنوان یک سیاستمدار، سفیر، به منظور ایجاد این تغییرات به سازمان های غیر دولتی مربوطه نزدیک شود.

۲-۵ اقدام خرد و حمایت محلی

محقق مددکار اجتماعی در سطح محلی نیز تحت تاثیر یا در معرض خطر به طرق مختلف زیادی است. تحصیلات، ادغام اجتماعی و کار برای

جوامع تحت تاثیر. این می تواند شامل موارد زیر باشد:

- آموزش به جوامع درباره حقوق انسانی شان و همچنین حقوق اعطا شده به آنها از طریق معاهدات بین المللی مختلف که دولتهایشان آنها را امضا کرده اند.
- تلاش های توانبخشی که شامل عادی سازی محیط زیست هر چه سریعتر ممکن نه شامل بودن می شود. این باید شامل استفاده از هنر فرهنگی برای گفتن داستان ها باشد، که باعث بهبودی و آموزش جامعه برای پیشگیری می شود.
- توانمند ساختن جامعه از طریق گروه های زنان و دیگر گروه های اجتماعی برای تعیین آنچه که آنها باید انجام دهند به منظور حفظ امنیت و یا تغییراتی که ممکن است آنها بخواهند در نتیجه تجربیات خود در جامعه ایجاد کنند.
- کار برای یکپارچگی اجتماعی کسانی که از طریق دسترسی به مراقبت های بهداشتی برای اعضای جامعه که به لحاظ جسمی آسیب دیده اند، برای مقابله با بسیاری از

آسیب های فیزیکی که از آنها رنج می
برند.

- کار با جوامعی برای ایجاد "مناطق امن
تا کودکان بتوانند حتی در مناطق جنگی
به تحصیل و بازی ادامه دهند "

- ارتقاء ادغام مجدد کودک کار باید یکی
از اهداف نهایی باشد و بهترین شیوه های
توانبخشی برای جوامع و کودکان کار سابق
را بهتر درک کند. ادغام مجدد سخت ترین
بخش فرآیند بازیابی مورد استفاده در
بهبود روند است.

برای رسیدن به اهداف زیر در باره حمایت ما
در برابر کودکان کار، چندین فعالیت در حال
انجام است:

۱. همه افراد و گروه های ذی نفع مانند
سازمان های غیر دولتی، سازمانهای جامعه
مدنی را شامل می شود تا AP را یک کشور
دوستانه کودک بسازد.

۲. حساس سازی همه ادارات و جامعه در مورد
نیاز به حفاظت از کودکان با حمایت از حقوق
کودک در همه جا و در همه زمان ها.

۳. اطمینان حاصل کردن در این باره که دولت
مکانیسم هایی را برای رسیدگی به شکایات و

نقض حقوق کودک توسط تشکیل کمیسیون حقوق کودک و مکانیسم های مربوطه در سطح مردمی ایجاد می کند.

۴. حساس سازی رهبران / احزاب سیاسی در مورد مسائل مربوط به کودکان برای نوع مناسب سیاست هایی که برای کودکان ایجاد می شود.

۵. ایجاد یک گروه منسجم از سازمان های غیر دولتی، که نشان دهنده یک کمپین قوی در برابر شبکه کار کودکان است.

۲-۵-۱ بیانیه سیاسی

به منظور رسیدگی به مسئله کودکان کار، حقوق کودکان به عنوان ارزش ذاتی باید به رسمیت شناخته شود. یک حوزه از سیاست بین المللی که در آن این مورد باید انجام شود در تعریف سازمان بین المللی کار از "بدترین شکل کودک کار" است (سازمان بین المللی کار، ۱۹۹۹). این تعریف باید تمام کودکانی را که به کارگر تبدیل شده اند، شامل شود نه فقط کسانی را که آشکارا ناگزیر به پیوستن یا مجبور به عضویت شدند. همچنین، ایالات متحده باید CRC را به منظور حمایت از جامعه بین المللی در مبارزه با بدرفتاری با کودکان در سراسر جهان تصویب کند. همه قوانین ملی کشورها و

اجرای این قوانین باید حقوق کودکان آنها را که در آن سند گنجانده شده اند، منعکس کند. ایالات متحده استثنا نیست.

یکی دیگر از جنبه های مهم استانداردهای بین المللی و تعاریف، اجرای این استانداردها و پیامدهای آن است و قتیکه این استانداردها شکسته می شوند. به شدت توصیه می شود که ایالات متحده تحت مدیریت اوباما با کشورهای دیگر برای حل مشکلات در مورد دادگاه جنایی بین المللی همکاری کند. این امر نه تنها پاسخگو بودن برای استفاده از کودکان کار را تقویت می کند، بلکه همچنین باعث تقویت بسیاری از کنوانسیون های سازمان ملل متحد که در این مرحله در عمل غیر قابل اجرا هستند می شود. دخالت ایالات متحده همچنین باید برای تقویت ادراک عمومی از سازمان ملل متحد در ایالات متحده کار کنند، به عنوان اینکه آنها با رهبران دیگر در سازمان ملل متحد برای بهبود و تقویت اعضا کار می کنند.

این امر راه های بیشتری را برای کشف حل مناقشه و پاسخ فوری بین المللی به بحران های بسیاری، از جمله جنگ های داخلی که منجر

به سوء استفاده از کودکان به عنوان کارگران می شود، ایجاد می کند.

در نهایت، از آنجایی که کمبود توسعه اقتصادی منجر به بسیاری از عوامل فشار کودک به سربازی گری کودکان می شود، کمک های انکشافی به شکل کمک های چندجانبه به دولت های ملی و سازمان های غیردولتی که در کشورهای خود کار می کنند ضروری است. فقر و حضور ظلم نقش مشخصی را در توسعه درگیری هایی که منجر به سوء استفاده از کودکان به عنوان کارگران می شود، بازی می کند. برای جلوگیری از سوء استفاده از حقوق بشر در آینده باید تلاش های زیادی برای ریشه کن کردن فقر شدید صورت گیرد. این جوهر مددکاری اجتماعی است.

۲-۵-۲ ابتکار کارفرمایان در این زمینه

در طول یک دهه و نیم گذشته یک سری تلاش های برجسته ای برای از بین بردن کار کودکان انجام شده است. تلاشهایی که فوراً به ذهن می آیند مبارزه علیه استخدام کودکان در صنعت فرش در اوتار پرادش، در کالاهای ورزشی در پنجاب، به ویژه در و اطراف جلندر، در صنعت پوشاک در داخل و اطراف تیرپور و کیمبراتوری

در تامیل نادو و اخیرا، در صنعت وسایل آتش بازی در سیواکاسی، همچنین در تامیل نادو است. در تمام این تلاش‌ها اشتراک مداوم وجود دارد. کارفرمایان به مسائل مربوط به کار کودکان تحت تهدید مبارزات خوب سازمان یافته از جانب گروه‌های مصرف کننده و سازمان‌های غیر دولتی پاسخ داده اند.

این ابتکارات منجر به از بین بردن بخشی از کار کودکان در بخش‌های کوچکتر (بخش صادرات - جایی که ترس از بایکوت بازار حقیقت یافته است) از بازار محصولاتی شده اند که تهیه کنندگان اینجا تهدید می شدند. در حقیقت، آنچه که تهدید تحریم افزایش داده است، مکانیسم برچسب گذاری و صدور گواهینامه و نظارت داوطلبانه از طریق کدهای رفتاری است. جزء مهم در پاسخ کارفرمایان این است که "مکانیسم های" داوطلبانه به عنوان راه قانونی سازی پذیرفته شده اند. در غیاب یک روش نظارت بر انطباق که برای دولت و سازمان های اتحادیه های کارگری قابل قبول است، پذیرش داوطلبانه بعید است که اعتماد به ابتکارات کارفرمایان را افزایش دهد. به عنوان مثال در مورد فرش‌ها اگر تولید کننده

ای سوگندنامه ای را امضا کند که نشان می دهد هیچ کودکی در این کارخانه خاص استخدام نشده است بعد این دلیل کافی برای صدور یک برچسب ایجاد می کند.

در مورد کدهای مدیریت کردن، تولید کنندگان کالاهای ورزشی جلندر یک سازمان نظارتی به نام "فدراسیون ارتقا تحصیلات و نظارت بر کودکان کار" ایجاد کرده اند. نه تنها عضویت در این مجموعه داوطلبانه است بلکه انطباق نیز داوطلبانه است. و در عین حال این به عنوان یک صندوق سه جانبه با مشارکت دولت و اتحادیه های کارگری صورت می گیرد. البته، مشارکت آنها داوطلبانه است. در حقیقت، هیچ قانونی از سازمان مشخص نمی کند که کدام شاخه ای از دولت باید به این بدنه متصل شود، کاش اینطور بود. عدم وجود یکپارچگی، سازمان خدمات اجتماعی تروپور را - مجموعه تولید شده توسط تولید کنندگان نساجی در تیروپور مشخص می کند.

حتی اگر تلاش گروه های تولید کننده پیشین قرار بود موفق باشد، آنها در بهترین شکل می توانند نوک کوه یخی را لمس کنند. تنها ۱۰ درصد کودکان کار در کارخانه های صنعتی

در مراکز صنعتی شهری مورد استفاده قرار می گیرد. این گروه بخش با دستمزد بهتر و بخش "بهتر محافظت شده" از کار کودکان را نشان می دهد. ۹۰ درصد از کودکان کار در خارج از بخش کارخانه هستند.

کار کودک در واقع مستقیماً از سیاست بازار کار بیرون می آید. با نگاهی به این موضوع از دیدگاه کلان، کارفرمایان برای تغییر اقتصاد سیاسی بازار کار چه کاری انجام داده اند؟ کارفرمایان هیچ کاری انجام نداده اند که مسئله ای که شرایطی را که منجر به کار کودکان می شود را مورد رسیدگی قرار دهد. سهم کارفرمایان در اشتغال منفی است. حجم نسبی توده بیکاری بزرگتر و در حال رشد است. نقض گسترده ای در پرداخت حداقل دستمزد وجود دارد. به طور خاص، نقض قوانین کار در رابطه با کارگران زن بیشتر است که در مقایسه با کارگران مرد، در مورد حقوق و دستمزد و سایر شرایط اشتغال تبعیض آمیز است. شواهد نشان می دهد که کودکان بیشتر به دنبال کار هستند در جایکه در آن کار زنان بطور ضعیفی تلافی می شود. در ۱۵ سال که قانون ضد کار کودکان (قانون کار کودکان و قانون ممنوعیت) برقرار

بوده است، کارفرمایان قوانین کار را بیشتر نقض کرده اند و نهادهای معاهده جمعی و کسانی که از حقوق کارگران دفاع می کنند، نابود کرده اند. از طریق چنین ابزاری دستمزدهای حقیقی را تا انتها پایین آورده اند. بنابراین کارفرمایان محیطی را ایجاد کرده اند که در آن کودکان بیشتر به دنبال کار با دستمزد می گردند.

۲-۵-۳ مسکن و امکانات دیگر

تنها ۱۸ درصد کل خانه ها دارای خانه های pucca بودند. ۵۵ درصد خانواده ها دارای خانه های kachh بودند. دیگران خانه های Kachh-pucca داشتند. ۳ درصد در مسکن یک اتاق اجاره ای زندگی می کردند. ۷۵ درصد خانوار ها دارای یک تا دو اتاق بودند (۳۲ درصد تنها یک اتاق و ۴۳ درصد دو اتاق داشتند).

۲-۶ تأثیر عدم آزادی بر بی سوادی زن و سلامتی ضعیف او

اشتغال کودکان دختر در کارهای خطرناک تأثیر سوء بر سواد و سلامت آنها دارد. دلایل زیادی برای نفرستادن دختران به مدرسه وجود دارد، اما در مناطق تولید پنبه دانه، دلیل اصلی این است که دختران باید در مزارع پنبه دانه

کار کنند. حدود ۶۰ درصد از کودکان شاغل در مزارع پنبه دانه در منطقه مطالعه، از مدرسه باز مانده اند. آنها سالهای اندکی برای تحصیل به مدرسه رفتند و برای کار در مزارع پنبه دانه مدرسه را رها کردند. ۲۹ درصد از آنها هرگز به مدرسه نرفتند.

اغلب دختران کارگر از سردرد، ضعف، بی نظمی قاعدگی، تشنج و مشکلات تنفسی شکایت دارند. بعضی از والدین همچنین گزارش دادند که دخترانشان که چندین سال در مزارع کار کرده اند از مشکلات قاعدگی رنج می برند. در غیاب نظارت طولانی مدت بر سلامت کودکان دختر، آسیب دائمی بر سلامت این کودکان قابل ارزیابی نیست.

دو جنبه وجود دارد که از طریق آنها مشکلات کودکان کار را می توان در کشورهای در حال توسعه بررسی کرد که توسط این پدیده بدترین بوده است. اول این است که مشکلات کار کودکان، محصول سیاست های تحریف شده توسعه است که این کشورها طی چند دهه دنبال کرده اند. و دوم اینکه تهدید اخیر ناشی از تهدیدات کشورهای توسعه یافته به منظور استفاده از استانداردهای کار اصلی به عنوان

ابزار تحریم های تجاری علیه کشورهای است که به ویژه قادر به بررسی مشکل کار کودکان نیستند.

با این حال، اکثر سازمان های بشردوستانه این مشکل را از منظر درست مشاهده نمی کنند. این سازمان ها با مشکل به روش ساده ای برخورد می کنند. به جای بحث در رابطه با کار کودکان در زمینه کلی توسعه، راه حل های کوتاه مدت برای این مشکل اغلب مورد جستجو قرار گرفته است. لازم است در اینجا ذکر شود که نگرانی اصلی باید یکی از موارد ارائه نوع درست توانمندسازی و فرصت های شکل گیری مهارت باشد. از لحاظ عملی، این مورد را می توان از نظر مسئولیت های طولانی مدت ارائه آموزش و توانمند سازی افراد محروم مشاهده کرد.

یک محدودیت مهم که اهدا کنندگان از آن هنگام رسیدگی به مسئله کار کودکان رنج می برند این است که آنها تمایل دارند این مشکل را از نظر برنامه ها و یا پروژه ها مدیریت کنند. این برای هر دو سازمان مالی دوجانبه و چندجانبه صادق است. آنها خود را از دیدگاه بزرگتر به این پروژه های متفرقه جدا

کرده اند، که به اصطلاح ذینفعان را از زمینه ای که مشکلی در آن وجود دارد، خارج می کنند. این منجر به ارائه فقط راه حل های جانبی می شود. به عنوان مثال، حتی اگر اطمینان حاصل شود که کودکان برای سطح معینی از تحصیلات به مدرسه فرستاده می شوند، به سختی هیچ ایده ای در مورد آنچه که آنها بعداً انجام می دهند، به دلیل عدم وجود فرصت های شغلی زیادی برای آنها وجود دارد. ارائه آموزش به صورت جداگانه، شرط لازم و کافی برای حصول اطمینان از اینکه گروه های هدف توانمند هستند، نیست. دایره بدبختی که بخش های محروم با آن روبرو هستند، با اتخاذ این رویکرد مراقبت نمی شود. تنها مهم ترین محدودیت این رویکرد این است که به جای اینکه از این برنامه ها / پروژه ها به عنوان وسیله ای برای هدفی استفاده شود، خود آن را به عنوان یک هدف به حساب می آورند. نتیجه معمولاً از لحاظ اهداف خاص یا ارزیابی تعداد ذینفعان و یا برآورده شدن اهداف مالی و در اغلب اوقات هردو آنها مورد ارزیابی قرار می گیرد. این که آیا ذینفعان بر اساس پایه ای قوی قرار می گیرند یا نه که به

آنها کمک می کند گذشته تاسف آور خود را از دست بدهند، به ندرت بخشی از گزارش ارزیابی اهدا کنندگان را شکل می دهد.

هدف این بوده است که دغدغه های کودکان کار را در تمام کارهای کاهش فقر مان جریان دهیم. درگیر کردن سازمان های شریک در بحث و مناظره در مورد علل و پیامدهای تعداد زیادی از کودکان در نیروی کار به شدت ضروری است. مشخص شده است که تغییر چشم انداز، کار خیلی دشواری نیست، بشرطی که کسانی که این ایده را مورد مذاکره قرار می دهند به آنها باور داشته باشند. در حال حاضر شواهدی وجود دارد که نشان می دهد که تلاش های متمرکز برای گرفتن کودکان از محل کار و فرستادن به مدرسه ای که توسط سازمان های غیردولتی آغاز شده است، می تواند در سطح سیاست توسط دولت مورد استفاده قرار گیرد.

۳- استراتژی های مداخله ای مددکاری اجتماعی

در حال اجرا

۱-۳ مردمی سازی مبارزات

مردم در سطح مردمی از گروه های مردمی و سازمان های دالیت فعالانه در این مبارزه شرکت می کنند. سازمان های غیر دولتی که با

مردم در جوامع روستایی و فقیران شهری مشغول به کار هستند، بخشی از مبارزات هستند و به طور فعال در فعالیت ها و برنامه های این کمپین فعالیت می کنند.

۲-۳ ایجاد اتحاد

تلاش های یکپارچه و همکارانه برای مقابله با مسئله کار کودکان انجام شده است. از این رو مهم است که دائما در حال تلاش برای ایجاد یک اتحاد قوی با دیگر گروه ها و شبکه های حقوق کودک باشیم. مددکاران اجتماعی به درب ها ضربه زدند و مداد و کاغذ را برگرداندند و خواستار حق تحصیل شدند.

۳-۳ شبکه سازی

یک شبکه با سازمان های داوطلبانه برای نظارت بر وضعیت کودکان کار ایجاد شده است.

۴-۳ مشارکت سایر جنبش ها در مبارزات

این کمپین ها فعالیت فعال جنبش ها و گروه های دیگر مانند رایتو، گروه های دانشجویی، انجمن شهروندان، مدافعان، انجمن های حرفه ای، اتحادیه های کارگری و غیره در مبارزات را انتظار داشت. تلاش برای ثبت نام آنها برای اطمینان از دسترسی گسترده و پوشش مسائل بیشتر صورت گرفت.

۳-۵ آموزش

برنامه های آموزشی برای فعالان اجتماعی برگزار شد، جلسات راهنمایی برای فصل های تازه آغاز شده، آموزش برای نمایش های خیابانی درباره کار کودکان، آگاهی و اردو های جهت گیری برای مقامات جنبش و رسانه ها، بطور منظم توسط سازمان های دولتی مختلف و سازمان های تشکیل دهنده انجام شد.

۳-۶ بازدید و مشاهدات

محققان زمانی که شکایات سوء استفاده از کودکان، مرگ و میر کودکان کار و دیگر موارد نقض حقوق کودک دریافت می شود، مأموریت های تحقیق و بررسی را انجام داده اند.

۳-۷ ایجاد ارتباط با مقامات دولتی و کار با

دولت

ما توانستیم با مقامات ادارات مختلف دولتی مانند آموزش و پرورش، کار، رفاه زنان و کودکان و غیره ارتباط برقرار کنیم و با آنها کار کنیم تا از اجرای قوانین سختگیرانه مطمئن شویم. همکاری با مقامات دولتی نیز تضمین می کند که اقدامات و طرح های رفاهی به افراد مورد هدف برسد.

۴- محدودیت ها

این برنامه ها برنامه ریزی و اجرا شده اند و در هنگام اجرا، محدودیت های متعددی در حل مشکلات کار کودکان وجود دارد که مانند آتش سوزی گسترش می یابد. محدودیت هایی که در طی تحقیق مواجه بودیم عبارتند از:

- اجرای دقیقی درباره قوانین موجود درباره کار کودکان وجود ندارد
- سیاست مرکزی مشخصی در مورد مسئله ی کار کودک وجود ندارد
- کمبود آگاهی در میان دیوانسالارها
- عدم اراده سیاسی برای اقدام جدی
- هیچ همگرایی بین قوانین وجود ندارد
- عدم وجود یک رویکرد یکپارچه در اجرای برنامه های توسعه و اقدامات رفاهی
- هیچ قدرت اجرایی برای قوانین موجود مانند مقررات کار کودکان و مقررات ممنوعیت (CLPRA) وجود ندارد همانطور که تمایز بین بخش های خطرناک و غیر خطرناک وجود دارد.
- کمترین میزان تعقیب کارفرمایان حتی در مواردی که پرونده در دادگاه بررسی شده است.

۵- مداخلات سازمانهای غیر دولتی

آیا کار کودکان علت است یا نتیجه، طرز نگاه نقطه نظر را تعیین می کند و بنابراین نحوه نگاه کردن به یک وضعیت شیوه برخورد با آن را تعیین می کند. اگر مسئله به عنوان "علت انکار حقوق" در نظر گرفته شود، پس به طور غیرمستقیم استراتژی باید چیزی باشد که از رویکرد متفاوت باشد، انکار حقوق، نتیجه کار کودک است. " بین این دو رابطه باریکی وجود دارد، فعالیت ها ممکن است متفاوت نباشد، اما تفاوت رویکرد بر محور برنامه ها تاثیر می گذارد. هر کودک حق دارد کودکی کند. دوران کودکی نمی تواند یک تعریف جهانی داشته باشد و باید در زمینه هر کودک مشاهده شود.

تلاش ما این است که کار کودکان موجود را ریشه کن کنیم و از کار کودکان آینده جلوگیری کنیم. کار کودک به عنوان یک مشکل مشاهده می شود که باید حل شود و همه تلاش های انجام شده برای آن انجام شده است. آیا کار کودک مشکل است یا نشانه ای از چندین مشکل دیگر بزرگسالان است؟ چیزی که به نظر می رسد آبکی است این است که وضعیت والدین ناشی از سیاست های کلان اقتصادی و ساختارهای

اجتماعی است که بچه ها را از مدرسه به یک دلیل دور نگه می دارد و در نیروی کار به دلیل دیگر نگه می دارد؟ کودکان نقطه کانونی هستند اما این موضوع باید در زمینه خانواده بررسی شود. مشارکت کنندگان تنها فرزندان نیستند متقاضیان مراقبت از آنها نیز ذینفعان اصلی هستند. کار کودک، نوک کوه یخی است که بالا آمده است و شاید از بالا آمدن نوک دیگر جلوگیری می کند. برای مدت طولانی، کودکان نامرئی بوده و در خانواده زندگی می کردند. امید و انتظار این بود که با هدف قرار دادن خانواده در زندگی کودک تفاوت ایجاد شود. این اتفاق نیفتاد و منجر شد مددکاران، توسعه کودکان را در مرکز قرار دهند. اگر پاندول در حال حاضر به طور کامل تمرکز بر روی کودک به عنوان یک فرد دارد، تغییرات پایدار ممکن است دشوار باشد. یک رویکرد متعادل در دیدن کودک در زمینه خانواده او، تغییرات مثبت و مناسب را در پی خواهد داشت.

رویکرد و یا مداخلات ابزارهایی برای یک هدف هستند و آنها خود نباید به عنوان یک هدف در نظر گرفته شوند. هیچ رویکرد یا استراتژی

کار کودک را از بین نخواهد برد. کارهایی که در حال انجام است، در پاکت است و محدود به فعالیت به خوبی تعریف شده، حوزه انتخابیه یا یک منطقه جغرافیایی محدود است. هیچ سازمان واحد نمی تواند به تمام فرزندان و خانواده هایشان برسد و نمی تواند همه مشکلات مرتبط با آن را حل نکنند. شبکه ها و ائتلاف ها برای فعالیت های غیر از کارگاه ها و کنفرانس ها باید برای یک فرد شکل بگیرد و منتقل شود و همانطور که انتقال آنها تمام می شود انتقال دیگری آغاز می شود.

شناسایی، رهایی و توانبخشی سه مورد از هر برنامه کار کودکان است. همیشه مشخص نیست که چرا گروه های خاصی از کودکان شناسایی شده اند؟ آیا کودکان مشغول تجارت یا مشاغل دیگرند، موقعیت جغرافیایی کودکان یا سازمان غیردولتی است یا آن عواملی است که آنها را به نیروی کار تبدیل می کند؟ انتخاب یک استراتژی خاص برای یک گروه مشخص از کودکان نیز روشن نیست. آیا این چیزی است که کودکان می خواهند؟ آیا این چیزی است که بزرگسالان احساس می کنند که بچه ها باید داشته باشند؟ آیا این برای شناسایی علت یا علل اصلی این

که چرا یک گروه خاص از کودکان بخشی از نیروی کار شدند ضروری است. هنگامی که آنها از نیروی کار کودکان آزاد می شوند، چه از کار مقیده کننده یا شغلی خطرناک، آیا ما مطمئن هستیم که آنها را به موقعیتی می رسانیم که بهترین منافع آنها در آن است؟ چه کسی این را تعیین می کند؟ این احتمال وجود دارد که بچه هایی که در مدرسه ثبت نام نکنند ممکن است به نیروی کار کودکان وارد شوند با این حال این خیلی کلی است که فرض کنیم همه کودکانی که به مدرسه نمی روند سر کار می روند. آنها از حقوق بسیاری از جمله دسترسی به تحصیل محروم می شوند، اما همیشه سر کار نیستند. برای بسیاری از این کودکان دسترسی به تحصیلات به دلایل متعددی، از جمله لباس و تغذیه نامناسب، دشوار است. برای اطمینان از پذیرش و نگهداری در سطح جهانی، تعدادی از عواملی باید مورد توجه قرار گیرند، بسیاری از علل ایجاد کار کودکان به عنوان مثال اراده سیاسی و SAP هستند. این ما را به نیاز به رویکرد یکپارچه فراتر از وزارتخانه های آموزش و پرورش و کار بر می گرداند.

وقتی کودکان به مدارس مسکونی منتقل می شوند، چه سیستم های پشتیبانی برای خانواده ها وجود دارد؟ چه این بچه ها توسط خانواده ها فرستاده شده باشند یا از خانواده هایشان فرار کرده باشند این وضعیت خانوادگی است که کودک را در این موقعیت قرار داده است، بنابراین باید با آن مقابله شود. بین کار و کارگری تفاوت وجود دارد. کار در داخل جامعه همچنین فرآیند اجتماعی شدن است. در حصول اطمینان از اینکه همه کودکان یک استاندارد یکسان از آموزش دارند، حساسیت به فرهنگ و بافت باید حفظ شود. به طور برابر نباید از فرهنگ استفاده کرد تا مانع کودک از ادعای حقوق خود شد.

اتحادیه سازی مانند جنبش ملی کودکان کار در هند گروه های کودکان را تقویت کرده است، برای آنها تا اندازه ای امنیت فراهم کرده است و آنها را بیشتر وادار به بیان کرده است. آنها در انجمن های مختلف شامل انجمن های بین المللی در ایجاد دستور کار نیروی کار کودکان موفق بوده اند و می تواند بر جلوگیری از ورود افراد جدید به این نیرو تاثیر بگذارد. اتحادیه سازی برای هر گروه

مهم است که یاد بگیرند که ادعای حقوق خود را داشته باشند و به حقوق دیگران احترام بگذارند. این تنها وسیله ای برای یک هدف و یکی از فرآیندها است.

همچنین یک طرف دیگر وجود دارد، آن هم فروش یک محصول یا اطمینان از ویژگی های شهروندی کودکان که "استفاده می شود تا پیامی را منتقل کند. اگر دوران کودکی یک دوره خاص در زندگی یک فرد باشد و نیاز به مراقبت و حمایت داشته باشد آیا بزرگسالان از مسئولیت های مدنی خود دور نمی شود و بار بر روی کودکان افزایش نمی یابد، باید آنچه که انجام می دهیم و برای چه کسی انجام می دهیم روشن باشد. نیروی کار نامرئی بیشتر نسبت به استثمار آسیب پذیر است. اخیرا کار با کودکان کار خانگی آغاز شده است. دوباره این ها به سمت کسانی که در حال حاضر در دام و عامل تقاضا هستند، هدایت می شوند.

یک طرف عرضه و یک طرف تقاضا برای این پدیده وجود دارد. شواهدی از کار در زمینه عرضه وجود ندارد. طرف عرضه باید مورد بررسی قرار گیرد و علل منجر به فرستادن کودکان به سر کار بررسی شود. بسیاری از کودکان برای کار

به فروش میرسند و دیگران توسط والدینشان فرستاده میشوند و یا با میل خود می روند. مداخلات عمدتاً به کودکان در حال حاضر در تله اختصاص دارد. نیازهای آنها برای تلاش های هماهنگ برای مقابله با بخش عرضه، افزایش آگاهی همیشه به اندازه کافی نیست. مسائلی که آنها را مجبور به فرستادن کودکان به کار می کنند، به خانواده مربوط هستند و باید شناسایی و مقابله شوند. یک سازمان نمی تواند هر دو طرف را اداره کند و این جایی است که اتصال با سایر سازمان های محلی ضروری است. این مسئله مربوط به "کار کودکان" است و نه حکم هر سازمانی. این چهره دیگری از کار کودکان است. کاهش رشد اقتصاد باعث کاهش فرصت های اشتغال در تمام سطوح شده است. از یک سو، کودکان را از مدارس بیرون می کشد و از سوی دیگر تقاضای کار کودکان را ایجاد می کنند. افزایش تعداد کارکنان خانگی کودک می تواند به خوبی در نتیجه این کاهش رشد اقتصادی باشد. درک فزاینده ای از تأثیرات اجتماعی منفی سیاست های کلان اقتصادی بر زندگی مردم، به ویژه فقرا و بی پناهان، آژانس های توسعه ای

را متقاعد کرده است که ارتباطات خرد و کلان برای طراحی سیاست های موثر ضروری است. این درک باید بر تدوین سیاست و منابع تأثیر بگذارد. تجزیه و تحلیل سطح خرد طیف گسترده ای از عوامل موثر بر رفاه کودکان را نشان می دهد. این مفروضات در سطح کلان را به چالش می کشد که در مورد اثربخشی سیاست یا تأثیر اجتماعی سیاست های اقتصادی است. این نشان دهنده عدم کفایت مفروضاتی است که سیاست کلان در باره آن طراحی شده است.

اعتقادی وجود دارد که به عنوان فرآیند توسعه به خصوص توسعه روستایی، نیروی کار کودکان به طور خودکار پایین می آید. این باور به لحاظ تجربی نادرست است. بنابراین اجازه دهید که فکر نکنیم که با ادامه روند توسعه، کار کودکان پایان خواهد یافت و اراده های والدین کودکان خود را به مدارس می فرستند. تعهد به آموزش کم است. توسعه روستایی به تنهایی کودکان کار را کاهش نمی دهد. وعده غذایی در وسط روز یک نوع درآمد اضافی است.

۶- مداخله دولت در رسیدگی به مشکل کار

کودکان

دولت ما کار کودک را تنها به عنوان یک مسئله رفاهی در نظر می‌گیرد و تعدادی طرح‌های کمکی را بدون در نظر داشتن یک رویکرد و سیاست جامع برای اطمینان دادن به توسعه کلی و آموزش برای کودکان معرفی کرده است. تشخیص‌ها را رویکرد چند پاره دولت را نشان می‌دهد.

اولویت اصلی آموزش برای همه کودکان است. آموزش رایگان، اجباری و با کیفیت‌ترین ابزار در ریشه‌کن کردن کار کودکان است. سند اصلاحیه نود و سوم پیشنهاد شده سال ۲۰۰۱ تحصیلات را حق بنیادی می‌داند و آموزش رایگان و اجباری را برای کودکان بین ۶-۱۴ سال تضمین می‌کند. آموزش کامل، اجباری و با کیفیت باید برای همه کودکان بین ۰-۱۸ ساله فراهم شود. مراقبت و آموزش اولیه دوران کودکی باید حق اساسی باشند. در شرایط ایده‌آل، زمانی که تمام کودکان در مدرسه باشند، کار کودکان به طور خودکار ریشه‌کن می‌شود. ثانیاً، تلاش‌های مداوم باید درباره مسائل مربوط به توسعه جوامعی که بچه‌ها از آنها به سر کار می‌آیند، انجام شود. ابتکارات برای ریشه‌کن کردن کار کودکان باید با توسعه

جامعه و بسیج اجتماعی ترکیب شوند. باید برای مراقبت های بهداشتی، تحصیلی، وام و اعتبارات و اطمینان از اشتغال بزرگسالان و حداقل دستمزد برای بزرگسالان تمهیدات لازم دیده شود.

سوم، یک رویکرد جامع و یکپارچه برای رسیدگی به مسائل مربوط به بخش خاص، خصوصیات روستایی / شهری / قبیله ای، منطقه ای و فرهنگی ضروری است: این امر، مشارکت فعال جامعه مدنی و همکاری بین برنامه های مختلف دولتی را نیاز دارد که جداگانه با جنبه هایی کار کودک درگیر هستند. دولت محلی باید فعال شود و مسئولیت اصلی در از بین بردن کار کودکان را داشته باشد. پیاده سازی دقیق قوانین موجود با حمایت سیاسی می تواند به عنوان یک اقدام پیشگیری مهم خدمت کند.

چهارم، تلاش هماهنگ تمام گروه های جامعه مدنی برای ایجاد آگاهی جمعی، نیازی مبرم است. طرح های دولت و اقدامات رفاهی ممکن است تنها بر روی کاغذ باقی بماند، اگر آگاهی عمومی در میان مردم وجود نداشته باشد. مردم باید از اثرات کار کودکان آگاه شوند و باید در مبارزه برای ریشه کن کردن

کار کودکان شرکت کنند. افکار عمومی باید به سمت لغو به جای تنظیم حرکت کند. در نهایت، نقش انتشار مناسب اطلاعات در موفقیت یک مبارزه نمیتواند کم اهمیت باشد. رسانه های جمعی نقش مهمی در ایجاد آگاهی جمعی و حمایت از مبارزات ایفا می کنند. رسانه مسئولیت اجتماعی دارد و دسترسی گسترده به رسانه های چاپی و الکترونیکی باید برای تأثیرگذاری بر عموم مردم مورد استفاده قرار گیرد.

علیرغم تلاش های دولت برای ممنوعیت کار کودکان از دهه ۱۹۲۰ از طریق تصویب قوانین و دستورالعمل های سیاست، مشکل همچنان ادامه دارد. از آنجاییکه کار کودکان به عنوان یک مشکل عمده اقتصادی و اجتماعی محسوب می شود و کار کودک امکان تبدیل شدن به بزرگسالان تولیدی را به خطر می اندازد، دولت موظف است که با شدت بیشتری پاسخ دهد. همانطور که مساله چند ساله کار کودکان در ساختار اقتصادی کشور ریشه دارد، هدف لغو کار کودکان می تواند از طریق افزایش پایدار در سطح استانداردهای زندگی به دست آید. سازمان بین المللی کار، در به رسمیت شناختن این واقعیت، یک "رویکرد دو شاخه ای" را برای

مشکل کار کودکان به تصویب رساند. هدف از بین بردن نهایی کار کودکان بوسیله بهبود شرایطی است که کودکان تحت آن کار می کنند. تمرکز کنونی اقدامات در کشور بر رفع خطر برای کودکان است تا پایان دادن به مشارکت آنها در تمام کارهای. ILO-IPE: C معتقد است که این رویکرد برای تطابق عامل فقر در کار کودکان و ایجاد انعطاف پذیری خانواده ها در حفظ مکانیسم های بقاء ضروری خود در حین محافظت از کودکان مورد نیاز است. دولت بر تلاشهای نجات برای بهره برداری ترین اشکال کار کودکان و کودکان در معرض خطر بالا مانند کودکان کم سن و سال (زیر ۱۲ سال و یا ۱۳ سال) تمرکز دارد. با این حال، برای بقیه کودکان کار، تا زمانی که جایگزین برای بقا وجود دارد، توصیه می شود که تلاش ها افزایش یابد تا اطمینان حاصل شود که آنها در شغلی هستند که برای سلامت و رشد جسمی و روحی آنها خطرناک نیست.

۷- چشم انداز آینده

مددکار اجتماعی باید مبارزه علیه کار کودکان و حقوق کودک را ادامه دهد، تا همه کودکان در مدرسه باشند و دوران کودکی

گرانبهایشان را بازسازی کند. چشم انداز ما یک هندوستان خالی از کودکان کار است، جاییکه در آن با کودکان به عنوان کودک برخورد می شود و جایگاه قانونی شان در جامعه به آنها داده می شود. جامعه ای که همه کودکان از عشق و محبت برخوردار می شوند و به عنوان شهروندان سالم شکوفا می شوند، اقدام فوری همه ما این است که منافع کودکان کشورمان را حفظ کنیم. تلاش های ما باید تشدید شود تا برای کودکان کشورمان آینده ای بهتر را به ارمغان بیاورند.

۸- مداخلات مددکاری اجتماعی به عنوان راه حل

کار کودک فقط یک مسئله احساسی نیست. این جامعه استثمارگر موجود و مشکل پیچیده است که شامل عوامل متعددی مانند فقر، بیکاری، فقدان امکانات آموزشی، نگرش های سنتی نسبت به استخدام کودکان به خصوص دختران و جنسیت است. این را نمی توان از طریق خواسته های مؤدبانه یا قوانین ممنوعه کار کودکان و یا با سرزنش والدین فقیر برای فرستادن فرزندان شان به سرکار به جای مدرسه از بین برد. از بین بردن کار کودکان می تواند تنها با قرار دادن آن به عنوان بخشی جدایی

ناپذیر از سیاست های توسعه بدست آید. رویکرد چند جانبه که با اشتغال بزرگسال، تعاملات جمعی از طریق جنبش قوی اتحادیه های کارگری، افزایش کیفیت زندگی کارگری کارگران، به ویژه در بخش غیر رسمی، و تقویت سیستم آموزش و پرورش سر و کار دارد مورد نیاز است. تمام این ها مربوط به سیاست های دولت هستند. کار کودکان نمی تواند منسوخ شود مگر این که دولت سیاست هایی را اتخاذ کند که باعث ایجاد اشتغال شود، اصلاحات ارضی را انجام دهد، دستمزد مناسب زندگی را به کارگران بخش غیر رسمی تضمین کند، حقوق کارگران را برای معامله های جمعی محافظت کند و مسئولیت ارائه آموزش های اجباری و رایگان تا دبیرستان به عهده بگیرد و اقدامات موثر برای ترویج برابری جنسیتی و جلوگیری از آداب و رسوم شریر مانند جهیزیه ارتقا دهد.

نتیجه

اگر چه تحقیقات نسبتا کمی برای مکتوب کردن این مشکل انجام شده است، کار کودکان تقریبا در تمامی زمینه های اقتصاد هند وجود دارد. علاوه بر این، علیرغم قوانین داخلی، ممنوعیت

کار کودکان و چندین برنامه اعلام شده توسط دولت برای کمک به از بین بردن آن، تعداد کارکنان زیر سن قانونی در گواتمالا همچنان در حال رشد است. اگر چه کار کودک به وضوح یک مشکل آسان برای حل نیست، به اندازه کافی محافظت از کودکان به عنوان موظف به انجام آن تحت تعهدات بین المللی است. چنین تعهداتی شامل حفاظت از استثمار اقتصادی و ارائه فرصت های آموزشی مناسب می باشد. مقررات برای مسئول باقی ماندن برای شکست در حمایت از کودکان در برابر شرایط کاری استثماری ضروری است. بنابراین با ایجاد اشتغال کامل برای بزرگسالان با دستمزدهای پایدار و تحصیلات مناسب و با کیفیت برای کودکان، نیازی به برنامه های گران قیمت برای از بین بردن کار کودکان نخواهد بود.

Reference: Shodhganga.inflibnet.ac.in

متن انگلیسی این مطلب، در سایت مددکاران اجتماعی ایرانیان موجود است.

www.iraniansocialworkers.ir